



منصور حکمت

آزادی، برابری، حکومت کارگری



آمریکایی، "سلطنت خوان کارلوسی"، "سلطنت آریامهری"، "حکومت ژنرالی"، "جمهوری پارلمانی"، یا "اصلا اشغال نظامی توسط آمریکا"، "بالاخره باید یکی از اینها را قبل از اینکه آوار جمهوری اسلامی روی سر همه خراب شود بر قرار کرد" - این رویای آشفته بورژوازی است - اینها عناوینی است که همه به یک اوضاع واحد رجوع می کنند، ختم انقلاب و هر نوع حرکت انقلابی و حفظ، دوام و بقا توحش بورژوازی در ایران .

در مقابل همه این تکاپوها و توطئه ها برای خواباندن صدای انقلاب و قیچی کردن روند انقلابات و بحرانهای انقلابی پی درپی، کارگران انقلابی ایران یک شعار را مطرح میکنند، شعاری که گویای حضور پیگیر طبقه کارگر ایران در تمام سیر پر تحول و پر افت و خیز جاری و آتی تا تحقق اهداف نهایی است .

شعاری که انگیزه و نیروی محرکه حرکت رو به جلوی مبارزه طبقاتی و انقلابی در ایران را در یک عبارت کوتاه بیان میکند: "آزادی، برابری، حکومت کارگری" این شعار کارگران انقلابی است. این شعاری است که تمام حرکتهای انقلابی در ایران معاصر، از انقلاب ۵۷ تا پیروزی نهایی را به هم مرتبط میکند .

"آزادی" یعنی رهایی کامل از قدرت و حاکمیت اقتصادی، سیاسی و فرهنگی سرمایه و سرمایه داری، یعنی رهایی از کلیه روابط، مناسبات و نهادهای اسارت آور و سرکوبگر جامعه بورژوازی، یعنی رهایی از چنگال بردگی مزدی، رهایی از انقیاد طبقاتی، رهایی از سرکوب ماشینی دولتی بورژوازی، رهایی از بی حقوقی سیاسی و انقیاد فرهنگی، رهایی از پبله مذهب و پندارها و قوانین و ارزش های خرافه آمیز و عقب مانده

صفحه ۲

داشت - انقلاب ۵۷ استثناء نبود، بلکه نخستین جلوه قاعده ای بود که از این پس، تا در هم کوبیده شدن قطعی حکومت سرمایه و نظام سرمایه داری در ایران، تاریخ ایران را شکل خواهد داد. بحران اقتصادی و بحرانهای سیاسی و حکومتی دائمی، حرکتهای اعتراضی گسترده که تنها با دوره های کمابیش کوتاه عقب نشینی و رکود نسبی از یکدیگر جدا میشوند، خیزشهای انقلابی با فواصل کم و کمتر، گشوده شدن و باز هم گشوده شدن مساله قدرت سیاسی در سطح جامعه و در جریان همه اینها، قدرت گیری روزافزون پرولتاریا و پیشروان کمونیست او، این آن دورنمای واقعی است که بورژوازی در ایران بطور عینی با آن روبروست صرفنظر از اینکه این یا آن دار و دسته دولتی رسمی اش بتواند چند روز، چند ماه و یا احيانا چند سال تعادل خود را در راس ماشین دولتی حفظ کند .

در چنین شرایطی، و با چنین کابوسی، اینک دیگر تمام افشار بورژوازی به تکان و تکاپو افتاده اند. تابلوهای نجات میهن سرمایه یکی پس از دیگری بالا رفته اند و از فرط کثرت دیگر حتی بخاطر سپردن و شمردن همه آنها نیز میسر نیست - "جمهوری اسلامی با خمینی، بدون لاجوردی"، "جمهوری اسلامی با رجوی دمکراتیک"، "جمهوری سوسیال دمکراتیک اسلامی"، "ناسیونالیسم اسلامی"، "ناسیونالیسم غیر اسلامی"، "ناسیونالیسم آریایی"، "ناسیونالیسم

هفته منصور حکمت فرا میرسد، کمونیست هفتگی به منظور شناساندن منصور حکمت به عنوان برجسته ترین رهبر سیاسی کمونیست، نظریه پرداز و تئوریسین معاصر، در هر شماره خود گوشه هایی از مباحث او را منتشر میکند. هفته قبل "در بزرگداشت دست آوردهای یک زندگی پر بار" از کورش مدرسی به مناسبت هفته شماره نوشته منصور حکمت "آزادی، برابری، حکومت کارگری" را ملاحظه کنید.

هفتگی

- *بحران سیاسی و اقتصادی عمیقی که گریبان بورژوازی ایران را گرفته است نشانی از فروکش کردن ندارد.
- *بساط سلطنت با انقلاب هر چند ناکام ۵۷ در هم پیچیده شد.
- *امروز جمهوری اسلامی نیز به همان عاقبت نزدیک میشود.

نه آریایی گری آمریکایی شاه و نه خرافات اسلامی وقیل و قال پان اسلامیستی خمینی و شرکاء و نه نسل کشی و جنایات غیرقابل توصیف هر دو رژیم علیه بشریت و آزادی، هیچک پاسخ این بحران نبود و نمیتوانست باشد - زیرا "مساله" و "بحران"، در نفس وجود اجتماعی بورژوازی و حاکمیت اقتصادی و سیاسی سرمایه نهفته است - انقلاب ۵۷ تنها علیه سلطنت نبود، هماننکه خیزش انقلابی عظیم آتی نیز تنها برچیدن جمهوری اسلامی را در دستور نخواهد

جمال کمانگر

دفاع از فعالین و رهبران کارگری امر همه کارگران



پافشاری رهبری اتحادیه و اعضای آن در بازگرداندن این دو کارگر به سرکار میروید به یک بحران برای شهردار محافظ کار و دولتش تبدیل شود. این دو کارگر به دادگاه شکایت کرده اند که روز ۵ مه ۲۰۱۱ "تریونال کارگران" به نفع "آروین توماس" رای داد که ایشان بخاطر فعالیتهای اتحادیه ای از کار اخراج شده است و ادعای کارفرما مبنی بر عدم رعایت امنیت کار بی اساس است. آرا تمی خواهان بازگرداندن این دو کارگر به سر کار است و جالب است کارفرما حاضر نیست تا این لحظه

صفحه ۴

اند. این در حالی است این دو کارگر به دلیل فعالیتهای اتحادیه ای از کار اخراج شده اند. آرا تمی خواهان بازگرداندن این دو کارگر به سرکار است و جالب است کارفرما حاضر نیست تا این لحظه

حساسیت کارگران حمل و نقل بریتانیا در قبال اخراج "آروین توماس" و "ایمون لینچ" از رانندگان قطار این اتحادیه ستودنی است. کارفرما که "لندن آندرگران" و تحت کنترل شهردار محافظ کار لندن است با پاپوش دوزی آنها را از کار برکنار کرده است که گویا این دو راننده امنیت محل کار را رعایت نکرده

کتاب کمونیست کارگری - کمونیست

۲۳ اردیبهشت ۱۳۹۰
۱۳ مه ۲۰۱۱

خالد حاج محمدی
تور بن لادن، گسترش
تروریسم دولتی

عملیات نظامی امریکا در پاکستان و قتل اسامه بن لادن چیزی جز یک اقدام تروریستی، تکرار صحنه دیگری از تروریسم دولتی آشنای امریکا نبود. یک بار دیگر این ژاندارمهای خود گمارده بنا به تعریف خودسرانه از عدالت و یکسر در چهارچوب منافع و مصالح خود در گوشه دیگری از دنیا نقشه قتل خود را به اجرا درآوردند. هیچ گونه تردیدی بر تروریسم کور بن لادن جایز نیست. پاکستان همواره لانه کثیفترین جریانات تروریست اسلامی بوده است. اما هیچکدام تغییری بر واقعیت تروریسمی به همان اندازه سیاه و مخرب نمیدهد. همه هیاهوی از پیش مهندسی شده دولت امریکا و حماسه و قهرمانی "ضد تروریستی" آنها بیش از چند ساعت دوام نیاورد. تروریسم سیاه اسلامی از سابقه طولانی برخوردار است. دهساله اخیر سایه مخوف این تروریسم تمام جهان را بخود معطوف کرده است. رویداد اخیر تجربه دیگری بر این واقعیت بود که دولت امریکا، نه بر علیه بلکه بعنوان نیروی مکمل صحنه مخوف تروریستی جهان امروز عمل کرده است.

صحنه تبلیغات ضد و نقیض خود امریکا که از جانب کل میدیای غرب قاپبده شد و فضای دنیا را به خود

صفحه ۴

نشست دفتر سیاسی حزب
کمونیست کارگری - کمونیست
صفحه ۳

انجمن مارکس حکمت برگزار میکند
به مناسبت هفته حکمت
صفحه ۳

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

آزادی، برابر، حکومت...

جامعه موجود، رهایی از ستم های مذهبی، قدمی و جنسی، رهایی از فقر و فلاکت، جهل و خرافه و کل تبعیضات و مصائب جامعه بورژوازی.

"برابری"، یعنی نه فقط برابری حقوقی و قانونی، نه فقط برابری شهروندان جامعه از هر قوم و نژاد و جنسیت، بلکه برابری در امکانات مادی، در دسترسی به ابزارهای ارتقا و شکفتن استعداد های فردی و اجتماعی، برابری در تولید و در زیست، برابری در اعمال اراده در سرنوشت اقتصادی، سیاسی و اداره جامعه خود - برابری در بهره مندی از محصولات مادی و معنوی کار و تلاش اجتماعی و برابری در مبارزه برای فایق آمدن بر هر عقب ماندگی و کمبود - برابری ای که تنها با درهم کوبیدن مالکیت خصوصی بورژوازی بر وسایل تولید و مبادله، از میان بردن بردگی مزدی و قرار دادن وسایل تولید و ثروت جامعه در مالکیت جمعی و اشتراکی کلیه انسانهای سهیم در فعالیت اجتماعی حاصل میشود.

"حکومت کارگری"، یعنی حکومت طبقاتی کارگران، حکومت استثمار شدگان و تولید کنندگان کل ثروت جامعه بر علیه استثمارگران، حکومت بردگان مزدی امروز و ناجیان فردای جامعه، حکومت کسانی که جامعه، نفس موجودیت و ثروت آن، بر کار و تلاش مدام آنها بنا شده است، حکومت کارگری یعنی طبقه کارگر متشکل بعنوان قدرت و طبقه رهایی بخش حاکم. حکومت کارگری یعنی حکومت سرکوب مقاومت استثمارگران در برابر رهایی بشریت تحت ستم. حکومت کارگری یعنی دیکتاتوری پرولتاریا علیه مدافعان فقر و فلاکت و استثمار و جهل و خرافه. حکومت کارگری یعنی دموکراسی برای کارگران و زحمتکشان و استثمار شونده ها و سرکوب برای استثمارگران. حکومت کارگری یعنی ضمانت اجرایی واقعی آزادی و برابری.

پاسخ بورژوازی به این شعار پرولتاریا کاملاً روشن است. بورژوازی در برابر این شعار در سراسر جهان تنها یک پاسخ دارد و آن سرکوب، قهر و ارتجاع عریان ضد پرولتری است. جمهوری اسلامی خود تنها جزئی از این پاسخ و یک نمونه زنده آن است. اما لیبرال چپ ها و خورده بورژوا رفرمیستهایی که خود را به انقلاب و یا حتی سوسیالیسم می چسبانند نیز، هر قدر از اوضاع موجود ناراضی باشند و بر سر اوضاع و "الترناتیو" مطلوب میان خود اختلاف داشته باشند، پاسخ کمابیش یکسانی را در مقابل ما قرار

میدهند. مجموعه ای از تهدیدات، تحریفات و غرولندها خطاب به کارگران کمونیست پرتاب میشود: "حکومت کارگری؟! این یک توهم است. مگر ارتش آمریکا را نمی بینید، مگر قدرت مذهب را نمی بینید؟ مگر عقب ماندگی فرهنگی جامعه را نمی بینید؟ مگر نمی بینید که بخش اعظم مردم مذهبی اند، روستایی اند، غیرپرولتراند؟ صنعت ما برای جامعه سوسیالیستی شما به اندازه کافی رشد نکرده است. آخر کارگران کم سواد وبی اطلاع شما چگونه قرار است جامعه مدرن امروز را اداره کنند؟ با کدام نیرو می خواهید حکومت کارگری را برقرار کنید؟ کدام کارگر، کدام طبقه کارگر متحد، کدام حزب طبقاتی، کدام نیروی متشکل برای تحقق این شعار وجود دارد؟ مگر شعارهای امروز مردم را نمی بینید؟ کسی در ایران زیر بار حکومت کارگری نخواهد رفت. زود است، غیر ممکن است، عملی نیست، توهم است".

بخش اعظم این نوحه خوانی ها را اراجیف و چرندیاتی تشکیل میدهد که آگاهانه جعل شده اند و بخش دیگر نیز بیان فرصت طلبانه و ریاکارانه واقعیتی است که بطور عینی سد راه حکومت کارگری و تحقق برنامه کمونیستی است. این واقعیات برای ما موانعی است که باید برچیده شود و برای بورژوازی و خرده بورژوازی سنگرهای است که باید در برابر پرولتاریای انقلابی حفظ گردد. اساسی ترین مانع تحقق فوری شعار ما، کمبود آگاهی طبقاتی، تفرقه و ضعف سیاسی و تشکیلاتی طبقه کارگر ایران است. آری، اگر کارگران ایران متحد بودند، به منافع طبقاتی خود واقف بودند، در حزب سیاسی انقلابی خود، حزب کمونیست ایران، گرد آمده بودند، آنگاه استقرار حکومت کارگری کار یکروز بود. ما برای نزدیک تر کردن آن "روز" مبارزه میکنیم و این شعار خود یک ابزار مهم ما در این مبارزه است. این شعار امروز آگاه و بسیج و متشکل میکند و فردا عملی میشود و به حاکمیت اقتصادی و سیاسی سرمایه خاتمه میدهد.

تحقق این شعار، یعنی تحقق بخش حداکثر برنامه حزب کمونیست ایران، مستلزم بوجود آوردن درجه بالایی از آگاهی و تشکل در میان طبقه کارگر ایران است. آگاهی و تشکلی که در انزوا از جامعه و در ماوراء جامعه بدست نمی آید، بلکه باید در دل همین مبارزات جاری و خیزشهای پی در پی انقلابی و از طریق کار پیگیر کمونیستها بدست آید. طبقه کارگر باید از هر دوره و عرصه مبارزه طبقاتی و

انقلابی آگاه تر، و متشکل تر و با پیوندی عمیق تر با حزب خود، حزب کمونیست، به جلو گام بردارد. شعار "آزادی، برابری، حکومت کارگری" قطب نمای حرکت پیوسته ما از دل نبردهای متعدد و عرصه های متنوع مبارزه است.

اگر هم اکنون نیروی کارگران آگاه و متشکل فوراً و بلافاصله برای تصرف قدرت سیاسی و استقرار حکومتی که قادر به در هم کوبیدن مقاومت کلیه دشمنان پرولتاریا و سوسیالیسم باشد، کافی نیست، انرژی و مطالبات انقلابی در توده وسیع کارگران و زحمتکشان و اقشار تحت ستم جامعه برای آنکه پرولتاریای کمونیست مبارزات جاری را از زیر دست و بال بورژوازی و خرده بورژوازی بیرون بکشد و با رهبری خود آنرا به عمیق ترین نتایج ممکن سوق دهد، وجود دارد. این امکان بطور عینی و واقعی وجود دارد که مبارزات و اعتراضات موجود به جنبشی عظیم برای دموکراسی انقلابی تبدیل شود. حاکمیت دموکراتیک انقلابی ای که بار بحران اقتصادی نظام موجود را بر سر بورژوازی خراب میکند و آنچنان دموکراسی وسیع و گسترده ای را بر قرار میسازد که بر داشتن گام بعدی به انقلاب سوسیالیستی و استقرار حکومت کارگری را به مراتب ساده تر می سازد. دموکراسی انقلابی ای که در عین پاسخگویی به عاجل ترین نیازهای توده های وسیع تحت ستم و استثمار، بهترین شرایط ممکن برای بسیج و تشکل طبقاتی عظیم کارگران برای دست یابی قطعی به قدرت سیاسی را بوجود می آورد. ما در پرتو شعار "آزادی، برابری، حکومت کارگری" برای ایجاد چنین شرایطی و برقراری چنین حاکمیت دموکراتیک انقلابی ای در سطح جامعه نیز مبارزه می کنیم.

کارگران کمونیست آماده اند تا بر مبنای یک پلاتفرم انقلابی و دموکراتیک، یعنی بخش حداقل برنامه حزب کمونیست ایران، در راس و با شرکت کلیه اقشار تحت ستم و استثمار و کلیه نیروهای اجتماعی که خواهان تحول عمیق دموکراتیک در جامعه موجود هستند، یک "جمهوری دموکراتیک انقلابی" تشکیل دهند. کارگران کمونیست، از هم اکنون در بخش حداقل برنامه حزب کمونیست ایران، برای گرد آوری قوا و تشکل کل نیروهای دموکراسی انقلابی، در هم کوبیدن جمهوری اسلامی و جایگزینی آن با یک جمهوری دموکراتیک انقلابی فراخوان داده اند.

جمهوری دموکراتیک انقلابی شعار تاکتیکی حزب کمونیست ایران در شرایط کنونی است. این جمهوری به مطالبات دموکراتیک توده های تحت ستم

و استثمار جامعه، کارگران، زحمتکشان تهیدست در شهر و روستا، زنان، خلقهای تحت ستم و کلیه انسانهای شریفی که خواهان دموکراسی وسیع سیاسی هستند، به خواسته های تمام کسانی که از بی حقوقی سیاسی، اختناق، ارتجاع مذهبی و کل قوانین ارتجاعی که بر محیط کار و زیست مردم جامعه حکمفرماست به تنگ آمده اند، جامه عمل می پوشاند. اداره کشور به شوراهای واقعی خود مردم سپرده میشود، بوروکراسی ممتاز و مافوق مردم برچیده میشود و دموکراسی مستقیم برقرار میگردد، تسلیح عمومی مردم ضامن اجرایی دفاع از دستاوردهای انقلاب قرار میگردد. در این جمهوری حق تعیین سرنوشت ملل ساکن ایران تضمین خواهد شد، قانون کار دموکراتیک پرولتاریای انقلابی فوراً به مورد اجرا در خواهد آمد. دستگاه قضایی بورژوازی برچیده میشود و دادگاههای مردم با قضات و هیات منصفه انتخابی جانشین آن خواهد شد. بیمه بیکاری و بیمه های اجتماعی در سطح وسیع معمول خواهد شد. برابری زن و مرد در کلیه حقوق قانونی و صنفی اعلام خواهد گشت.

بهداشت، آموزش و مسکن مناسب حق سلب ناپذیر هر شهروند اعلام خواهد شد و کلیه امکانات لازم برای تحقق عملی این حقوق در اختیار شوراهای مردم قرار خواهد گرفت. در یک جمله، جمهوری دموکراتیک انقلابی بخش حداقل برنامه حزب کمونیست ایران را عملی خواهد کرد.

جمهوری دموکراتیک انقلابی پاسخ فوری حزب کمونیست و پرولتاریای انقلابی در برابر جمهوری اسلامی و کلیه طرح و نقشه های "الترناتیو"ی است که امروز اپوزسیون بورژوازی و خرده بورژوازی تبلیغ میکنند. نیروی واقعی اجتماعی برای تحقق این اهداف فوری با سرنگونی جمهوری اسلامی هم اکنون بطور قوه موجود است. نیرویی بمراتب عظیم تر از توان مدافعان هر یک از "راه حل" های بورژوا - اسلامی و بورژوا - سلطنتی ای است که اپوزسیون بورژوازی و خرده بورژوازی سودای تحمل آنرا به توده مردم ایران دارد. جمهوری انقلابی و دموکراسی انقلابی وسیعی که این جمهوری متضمن آن است در عین حال افشاگر دموکراتیسم دروغین و لیبرالیسم و رفرمیسم حقیر این اپوزسیون نیز هست. ما شعار "آزادی، برابری، حکومت کارگری" را به موازات شعار "سرنگونی جمهوری اسلامی و برقراری جمهوری دموکراتیک انقلابی" از هم اکنون تبلیغ میکنیم. ما از هم اکنون دست اندر کار



Marx- Hekmat Society

در بزرگداشت زندگی پرپار

منصور حکمت

بزرگترین متفکر مارکسیست معاصر و بنیانگذار انجمن مارکس لندن

شنبه ۴ ژوئن ۱، ۳۰ تا ۴، ۳۰ بعدازظهر

سخنرانان

منصور حکمت و تحولات کردستان عراق

ریبوار احمد:

منصور حکمت: مبارزه طبقاتی، جنبش ها و احزاب

آذر مدرسی:

منصور حکمت و بیانیه حقوق زن

دیبا علیخانی:

حکمت و مفهوم انقلاب

کوروش مدرسی:

ورود برای عموم آزاد است. ورودی: رایگان. لطفاً از آوردن کودکان زیر 16 سال خودداری کنید. برای اطلاعات بیشتر با نسرین جلالی مدیر انجمن مارکس - حکمت لندن: 07708125993, marx.hekmat@gmail.com تماس بگیرید.

www.marxhekmatociety.com

آزادی، برابر، حکومت...

بسیج و تشکل نیروهای انقلاب بی چون و چرای پرولتری هستیم. ما اعلام میکنیم که جمهوری دمکراتیک انقلابی، با تمام پیشرویها و دستاوردهای دمکراتیک خود، و با تمام نقشی که در مبارزه برای رهایی دارد، پایان کار نیست و مبارزه طبقه کارگر و حزب کمونیست ایران برای رهایی قطعی تا برقراری حکومت کارگری و سوسیالیسم بی وقفه ادامه خواهد یافت. خورده بورژوا - رفرمیست های مدعی "مارکسیسم" خرده میگیرند که جمهوری انقلابی ما، با نظام شورایی و تسلیح عمومی اش و با برنامه گسترده عملی اش، چیزی جز همان حکومت کارگری تحت نام دیگری نیست. ما اذعان میکنیم که این جمهوری بسیار فراتر از هر توقع و تصور "بورژوا - دمکراتیک" چنین کسانی است. ما اذعان میکنیم که همین جمهوری بمراتب از "سوسیالیسم" روسی و چینی و بلغارستانی و آلبانیایی اینان (که چیزی جز سرمایه داری دولتی تحت نام سوسیالیسم نیست) به سوسیالیسم "نزدیکتر" است. زیرا یک ابزار انقلابی پیشروی پرولتاریا است. اما در همان حال به هیچ کس، و بویژه به هیچیک از تحریف کنندگان سوسیالیسم اجازه نخواهیم داد تا افق کارگران را از سوسیالیسم واقعی و حکومت کارگری این چنین کاهش دهند. حکومت کارگری ای که این جمهوری تنها زمینه ساز آن و شرایط مساعدی برای گرد آوری قوای آن خواهد بود، حکومتی است که جدال اساسی طبقه کارگر را برای لغو مالکیت خصوصی بر وسایل تولید و جایگزینی تولید و مناسبات اجتماعی سوسیالیستی بجای نظام استثمارگر سرمایه داری در کلیه وجوه آن و در برابر کلیه مخالفان آن به پیش خواهد برد. حکومت کارگری، حکومت کارگران برای برقراری سوسیالیسم است. حکومت کارگری حکومتی برای تضمین رهایی قطعی است. جمهوری دمکراتیک انقلابی تنها یک گام، باشد که گامی بسیار مهم، در این جهت خواهد بود.

۲۸ آبان ۱۳۶۳

کمونیست، ارگان مرکزی حزب کمونیست ایران شماره ۱۴ - ۳۰ آبان ۱۳۶۳

hekmat.public-archive.net/#0350fa.html

اتفاق آراء به عنوان مشاور دفتر سیاسی انتخاب کرد.

نشست دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

۲۲ اردیبهشت ۱۳۹۰ - ۱۲ مه ۲۰۱۱

روزهای ۱۷ و ۱۸ اردیبهشت ۱۳۹۰ قبل از اختیارات اعضای دفتر سیاسی (هفتم و هشتم مه ۲۰۱۱) نشست دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست با شرکت اکثریت اعضای دفتر سیاسی، رحمان حسین زاده دبیر کمیته مرکزی حزب و ریبوار احمد عضو کمیته مرکزی برگزار شد. در ابتدای نشست، گزارش عمومی کارکرد احتمالی آن، تحولات و تحركات هیات دبیران در یک ماه گذشته توسط اعتراضی در عراق و کردستان عراق، دبیر کمیته مرکزی و گزارش دفتر رهبری حزب و پلنوم آتی کمیته سیاسی توسط رئیس دفتر سیاسی ارائه مرکزی. نشست دفتر سیاسی ریبوار شد. گزارشهای کمیته های اصلی حزب احمد عضو کمیته مرکزی حزب را به

مرگ بر جمهوری اسلامی!

ترور بن لادن، گسترش ...

آمریکا به عنوان عاملین و سازندگان القاعده حاضر به اجرائش نشدند.

تأثیرات این اقدام است که قربانیان آن مردم خواهند بود.

اختصاص داد، دیدنی بود. پخش کردن عکس اوایما و تعدادی از مقامات امریکائی که گویا صحنه عملیات کماندوهای خود را در این ماجرا نگاه میکنند، اعلام اینکه میان کماندوهای امریکائی و بن لادن جنگ درگرفته و بن لادن در این جریان همسر خود را سپر کرده و به این دلیل همسرش زخمی شده است، همگی دروغ از آب درآمد. معلوم شد بن لادن مسلح نبوده است، معلوم شد او را در میان خانواده اش ترور و اعدام کرده اند و معلوم شد به همسرش در هنگام فرار از محل شلیک کرده اند و زخمی شده است. معلوم شد همه این اخبار مهندسی شده که در یک هفته کل فضای دنیا را به خود اختصاص داد، تنها برای کور کردن چشم مردم، حقانیت دادن به تروریسم دولت آمریکا و به رخ کشیدن قدرت و اقتدار نظامی خود برای تحمیل جهانیان است.

در پس ترور بن لادن پیامهای ترسناکی نهفته است. پیام ترسناکی که از جانب نیروهای سیاسی بورژوائی ایرانی که به بهانه "ضدیت با جمهوری اسلامی" به کمپین کثیف آمریکا در اعلام پیروزی بر تروریسم شریک شدند و با شوق و شغف آنرا در بوق و کرنا کردند به حاشیه رانده شد. و اعلام کردند "بن لادن رفت اما خامنه ای ماند" و به "پیام آوران صلح در پنتاگون چشم امید بستند.

بن لادن را میتوانستند دستگیر کنند، میتوانستند در یک دادگاه معتبر به جرم جنایت و ترور و... او را علنا محاکمه کنند، امکانی برای بشریت موجود بود که در یک دادگاه علنی و از زبان رهبر القاعده، صفحه های مخفی و باز نشده القاعده، جنایات و نقشه های ترور و قساوت آنها، پوله های افسانه ای غرب و خود آمریکا و عربستان و... برای راه اندازی و سازمان دادن آن، حامیان کنونی این جریان، رابطه آنها با دولتها و هزاران پرونده دیگر، باز شود و به اطلاع عموم برسد، این ویکیلیکس برای بمب گذاری و انفجار و عملیات دیگری میشد و به همین دلیل غرب و

اقدام دولت آمریکا و فرستادن واحدهای تروریستی خود به کشوری دیگر، اقدام به ترور در پاکستان، و مشروع دانستن زیر پا گذاشتن همه توافقات میان دولتهای موجود، برسمیت نشناختن هیچ مرز و قانونی برای اجرائ اهداف خود، صادر کردن دسته جات تروریستی به نام عدالت به کشورهای دیگر، جز قلدن منشی، و به رخ کشیدن توان ترور و قساوت خود به بشریت پیامی را در بر ندارد. اسم ترور بن لادن غیر مسلح را اجرای عدالت گذاشتن، و رفتن به سنگر حقوق بشر و دفاع از بشریت، نه تنها دهن کجی که توجیه همه جنایات تا کنونی و همه قساوتها و آدم کشی و آدم ربائی دولت آمریکا و ریکاری کل دنیای امروز و حاکمان آن را نشان میدهد. آمریکا قبلا هم با ربودن اوجلان ظرفیت آدم ربائی و تروریسم دولتی خود را به نمایش گذاشته بود.

ترور بن لادن به نام اجرای عدالت توسط میدیای نوکر در بوق و کرنا شد. این فضا برای طبقه کارگر در خود غرب و در کل جهان جز ابزار سرکوب و تحمیل چیز دیگری و پیام دیگری را در بر ندارد. این فضا ممکن است ابزار و وسیله ای برای دولت آمریکا جهت بیرون کشیدن خود از افغانستان و ابزاری برای جبران شکست خود در منطقه باشد، اما هر چه است و قبل از همه ابزار تهدید و نشان دادن توان آدم کشی ماشین جنگی آمریکا و غرب نه علیه تروریسم که علیه بشریت متمدن، علیه طبقه کارگر و علیه همه مخالفان جنایت و جنگ و توحش حاکم در جهان امروز است.

بن لادن یک ترویست و یک جنایتکار بود، یکی از عاملین کشتار و جنایت هزاران انسان بیگناه، کودک، زن و مرد و پیر و جوان در کشورهای مختلف بود. سبب ترور و جنایت و بیرحمی و شقاوت جریانات تروریستی اسلامی بود. اما همه اینها کوچکترین مشروعیتی به تروریسم دولتی آمریکا به اعدام او به نام اجرای عدالت نمیدهد. مقابله با تروریسم و آدم ربائی و اعدام نمیتواند کار دولتی باشد که صدها هزار انسان را در عراق کشتار کرد، دولتی که اولین بار بمب اتم را در ناکازاکی و هیروشیما بر سر مردم ریخت، دولتی که در ویتنام کوهی از جنایت و کشتار راه انداخت و دولتی که سرمنشا ترور و جنایت و توحش افسار گسیخته است. مبارزه با تروریسم کار جنبشی است که سعادت انسان، حفظ کرامت و حقوق انسانی را سرلوحه خود گذاشته است و این کار جنبش سوسیالیستی طبقه کارگر است.

دفاع از فعالین و رهبران ...

آنها را سر کار بر گرداند. اتحادیه در جواب این دهن کجی کارفرما و در دفاع از این دو کارگر اخراجی بزرگترین اعتصاب را برای چند هفته متوالی فراخوان داده است. در صورت عدم پذیرش خواست اتحادیه اعتصاب از روز ۱۶ مه شروع و تا ۲۰ مه ادامه خواهد داشت و از ماه آینده یعنی ۱۳ ژوئن تا ۱۷ ژوئن رانندگان قطار زیرزمینی لندن سر کار نخواهند رفت و بدینوسیله نه تنها حمایت خود را از کارگران اخراجی اعلام میدارند بلکه خواهان بازگشت فوری آنها به سر کار هستند. دولت محافظکار انگلیس تلاش میکند که از طریق گذراندن قوانینی ضد کارگری در لندن کارگران را از اعتصاب منع کند. در دوره تاچر برای حاشیه ای کردن اتحادیه ها اعتصاب را به رای دادن اکثریت کارگران برای اعتصاب منوط کردند. اما امروز تلاش میکنند که کلا اعتصاب کارگران حمل و نقل را به بهانه اینکه اعتصاب در لندن زندگی میلیونها نفر دیگر را تحت تأثیر قرار میدهد ممنوع و یا قوانینی برای آن تصویب کنند که به معنی ممنوعیت است.

این اقدام اتحادیه حمل و نقل در دفاع از کارگران اخراجی مهم و شایسته بیشترین حمایت است. کارفرما و دولت با پاپوش دوزی آنها را اخراج کرده است. اگر در این امر موفق شود این سر آغاز پروسه ای خواهد بود که رهبران اتحادیه ها و فعالینش را به سکوت و تمکین وادارد.

مهمترین درس این مبارزه آر ام تی اتحاد و دفاع از فعالین و رهبران کارگری در مقابل تهدیدات دولت و کارفرما است. تعداد زیادی از فعالین کارگری در ایران به جرم فعالیت کارگری سالهاست در زندان هستند منصور اسالو نمونه بارز آنهاست.

زنده باد اتحاد و همبستگی کارگران!

نشریه حزب کمونیست کارگری حکمونیست

سردبیر: خالد حاج محمدی
www.hekmatist.com

کمونست را بخوانید

کمونست را بدست کارگران برسانید

کمونست را تکثیر و توزیع کنید

به کمونیست کمک مالی کنید

هفتگی
کمونست

هرجا اتحاد کارگران و آگاهی آنها نسبت به اینکه اعضاء یک طبقه جهانی اند تقویت میشود، هرجا کمونیسم بعنوان دورنمای انقلاب کارگری در میان کارگران رسوخ میکند و با هر رفیق کارگری که به کمونیسم و به محافل و سلول های کمونیستی کارگران نزدیک میشود، یک گام به انقلاب کمونیستی نزدیک تر شده ایم. سلول ها و محافل کمونیستی کارگری که امروز تشکیل میشوند، فردا کانون های رهبری انقلاب کارگری و پایه های قدرت حکومت کارگران را تشکیل خواهند داد.

منصور حکمت

زنده باد سوسیالیسم